

## بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان)

<sup>۱</sup> محسن نیازی

<sup>۲</sup> محسن شاطریان

<sup>۳</sup> الهام شفائی مقدم

### چکیده:

نگرش به ازدواج یکی از مکانیسم‌های کلیدی برای پیش‌بینی رفتار واقعی در ازدواج بوده و متأثر از عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است؛ لذا این مطالعه با هدف بررسی عوامل مختلفی که بر نوع نگرش جوانان به ازدواج تأثیر گذارده و موجبات افزایش سن ازدواج را فراهم می‌سازد، صورت گرفته است. به دلیل خصلت چندبعدی پدیده‌های اجتماعی و انسانی و تکثر نظریه‌های متعدد در خصوص زوایای گوناگون ازدواج، در این تحقیق سعی شده است با تلفیق نظریه‌های نوسازی، مبادله و نظریه اقتصادی به شناخت و تبیین بهتری از نگرش منفی به ازدواج و دلایل افزایش سن ازدواج دست یابیم.

<sup>۱</sup> استاد گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان [niazim@kashanu.ac.ir](mailto:niazim@kashanu.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه کاشان  
[shaterian@kashanu.ac.ir](mailto:shaterian@kashanu.ac.ir)

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم انسانی، نویسنده مسئول، دانشگاه کاشان  
[e.shafaii@grad.kashanu.ac.ir](mailto:e.shafaii@grad.kashanu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۴

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت فعال (۶۵-۱۵ سال) شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۱ است. با بهره‌گیری از فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۶۲۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش تصادفی افراد مورد مطالعه انتخاب گردیده‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین متغیرهای خانواده، وضعیت اقتصادی، افزایش توقعات، بیکاری، سنگینی مخارج ازدواج، انحرافات اجتماعی و اخلاقی، کارکرد نامناسب رسانه‌ها، ترس از آینده و تضعیف باورهای دینی با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، مقدار آماره  $F$  محاسبه شده در رگرسیون تک متغیره نیز نشان می‌دهد هر یک از عوامل فوق در پیش‌بینی نگرش منفی به ازدواج مؤثر می‌باشد. به گونه‌ای که عوامل تضعیف باورهای دینی ( $F=15.57$ ) قوی‌ترین پیش‌بینی کننده و بعد از آن عوامل سنگینی مخارج ازدواج ( $F=10.49$ )، و افزایش توقعات ( $F=7.34$ ) قرار دارند.

**واژگان کلیدی:** نگرش به ازدواج، سن ازدواج، خانواده، باورهای دینی، افزایش توقعات.

#### ۱. مقدمه

هر چند تشکیل خانواده را باید عملی ارادی دانست که به خواست، تمایلات و دیدگاه‌های فردی افراد مربوط می‌شود، اما زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با محیط و اجتماع، ازدواج و فرایند آن را تحت تأثیر روابطی دوسویه با متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار می‌دهد. ضمن آنکه انگیزه‌ها و تمایلات افراد نیز از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. بنابراین ازدواج هم می‌تواند در سطح خرد و از دیدگاه افراد و خانوار مورد بررسی قرار گیرد و هم از دیدگاه کلان به آن نگرسته شود.

نگرش به ازدواج عبارت از عقیده ذهنی و باورهای فرد در مورد ازدواج است (Brateen & Rosen, 1998) که در مراحل اولیه زندگی شکل گرفته و سازه‌ای نسبتاً ثابت می‌باشد (Trent & South, 1992). شکل‌گیری نگرش به ازدواج با دو رویکرد

نظری قابل توجه است. اول آن که بر اساس نظریه دلبستگی رابطه والدین یا مراقبان اولیه (به خصوص مادر) در ایجاد الگوهای فعال درونی (Internal Working Models) نقش دارد (Mikulincer & Shaver, 2007: 47-49). الگوهای فعال درونی ممکن است یکی از مکانیسم‌هایی باشد که از طریق آن نگرش نسبت به صمیمیت انتقال می‌یابد (Risch, Jodl & Eccles, 2004). در نظریه‌های دلبستگی کنونی رابطه والدین-کودک نه تنها در دوران کودکی مهم است، بلکه در دوران نوجوانی نیز اهمیت دارد (Freeman & Brown, 2001). همچنین، بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، والدین ایده‌های خود راجع به رابطه با جنس مخالف را از طریق الگوسازی و یادگیری جانشینی به فرزندان خود انتقال می‌دهند و نگرش فرزندان نسبت به صمیمیت از طریق مشاهده والدین و روابط بین آن‌ها الگوبرداری می‌شود (Risch, Jodl & Eccles, 2004; Segrin, Talor & Altman, 2005). از طرف دیگر فرزندان تجربه رابطه خود و والدین را به عنوان مبنایی برای ایجاد صمیمیت در روابط به کار می‌برند. این یادگیری از منابع دیگری مانند رسانه‌ها، مدرسه و یا دوستان نیز صورت می‌گیرد (Risch, Jodl & Eccles, 2004). با توجه به اهمیت ازدواج در زندگی انسان و تأثیر نوع نگرش نسبت به ازدواج در موفقیت یا شکست در این زمینه، بررسی چگونگی نگرش به این مفاهیم مورد توجه محققان قرار گرفته است. به عنوان مثال اردبیلی (Ardebily, ۱۹۸۸) معتقد است که نگرش منفی نسبت به ازدواج باعث می‌شود که جوانان ازدواج نکنند یا دیرتر ازدواج کنند و در صورت ازدواج هم ضریب احتمال طلاق بالا رود. بنابراین، این نگرش‌ها و احساسات پایه‌های اساسی تصمیم‌گیری برای چگونگی ازدواج، زمان ازدواج و نیز انتظارات و رفتارهای زناشویی را شکل می‌دهند (Gotman, 1993).

علاوه بر این، مسئله گریز از ازدواج، یکی از موضوعات مطرح در جامعه است که کم و بیش گریبان‌گیر جوانان شده است. افرادی با حساسیت‌های افراطی خاص به دلایل گوناگون پس از سال‌ها در حال مجرد به سر می‌برند و یا به دلایل گوناگون پس از گذشت سال‌ها از سنین جوانی، همچنان در مجرد هستند. همان‌گونه که سن ازدواج به‌طور طبیعی به

یک سری عوامل بستگی دارد، ولی این عوامل در جامعه گاه به صورت معمایی لاینحل درآمده است که ازدواج را به تأخیر انداخته و سن ازدواج را تا حد غیرمعقولی بالا می‌برد (ساروخانی، ۱۳۷۰، به نقل از فولادی، ۱۳۸۸: ۷۹). افزایش سن ازدواج و نگرش منفی به ازدواج، آن هم در شرایطی که عوامل تحریک‌کننده جنسی در جامعه بیشتر شده و سن بلوغ جنسی کاهش چشمگیری یافته را باید یک مسئله اجتماعی دانست. مسئله اجتماعی، مسئله-ای است که با تعداد فراوانی از مردم ارتباط دارد و ناشی از علل اجتماعی- ساختاری و همچنین مستلزم راه‌حل‌های اجتماعی- ساختاری می‌باشد (لوزیک، ۱۳۸۳: ۲۳-۳۵).

عوامل مؤثر بر نگرش به ازدواج ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و تداخل بین آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. این عوامل را می‌توان در چهار دسته عوامل جسمی و روانی، عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که هرکدام به نحوی بر نگرش به ازدواج اثر می‌گذارند طبقه‌بندی نمود. افزایش سهم زنان در آموزش عالی، گسترش اجتماعات شهری، فزونی تنوع فرهنگی، گرایش به بازار کار و اشتغال زنان، افزایش بیکاری جوانان و مسائل و مشکلات اقتصادی از جمله مهم‌ترین عوامل عدم تمایل جوانان به ازدواج و افزایش سن ازدواج در ایران به شمار می‌رود.

بر این اساس، در این پژوهش، علل و عوامل مختلفی که بر نوع نگرش جوانان به ازدواج تأثیر گذارده و موجبات تأخیر در سن ازدواج را فراهم ساخته‌اند، مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. مباحث نظری

عوامل بسیاری در نگرش جوانان به ازدواج مؤثرند که برخی از آن‌ها واقعی و برخی ساخته و پرداخته خود ما می‌باشند. وجود مشکلات روحی و روانی بسیار باعث می‌شود که جوان نتواند به راحتی تصمیم به ازدواج بگیرد. تحقیقات نشان می‌دهد اکثر افرادی که حتی شرایط ازدواج برایشان فراهم است بر اثر اضطراب و ترسی که ناخودآگاه در وجود آن‌ها نهفته است از ازدواج سرباز زده و بیشتر به نکات منفی و مسأله شکست در ازدواج فکر

می‌کنند (خلیقی، ۱۳۶۶). این عوامل موجب می‌شود که یک نوع ترس از ازدواج در بعضی افراد که شخصیت ویژه‌ای دارند به وجود آید که بیشتر در اثر عدم آگاهی و شناخت است (برهانی، ۱۳۸۶: ۱).

برخی از عوامل نگرش منفی به ازدواج و افزایش سن ازدواج به مسائل اجتماعی و فرهنگی برمی‌گردد. گرچه کشور ما از یک فرهنگ غنی اسلامی برخوردار است، ولی بنا بر دلایلی این فرهنگ کم‌رنگ گردیده و سفارش‌های اکید اسلام به تعجیل در ازدواج و کراهت از تأخیر آن، تا حدی بین جوانان به فراموشی سپرده شده است. جوان ایرانی که در گذشته مهم‌ترین برنامه‌اش در اولین فرصت ازدواج و تشکیل زندگی بود، امروز دیگر این‌گونه فکر نمی‌کند و حتی عده‌ی قلیلی زمان ازدواج را مختص میان‌سالی می‌دانند. نفوذ فرهنگ غربی به ذهن جوانان یکی از عوامل مهم در تأخیر سن ازدواج و عدم رغبت جوانان به ازدواج به موقع است (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

کم‌رنگ شدن ارزش‌های معنوی و جایگزین شدن ارزش‌های مادی سبب شده است جوانان به همه چیز، از جمله ازدواج، رنگ و لعاب مادی بدهند و به جای آنکه کسب فضایل انسانی را هدف خود در زندگی قرار دهند و ازدواج را عاملی برای نزدیک‌تر شدن به خدا و کامل شدن ایمان بدانند، در به دست آوردن ثروت دنیا و نمایاندن ظواهر فریبده‌ی زندگی مادی مسابقه بگذارند. علاوه بر این، دگرگونی‌های فرهنگی مشکلات و سدهای گوناگونی که بر سر راه ازدواج جوانان به وجود آورده است، آداب و رسوم نویناد بعضی خانواده‌ها، تقلیدهای کورکورانه و تهیه جهیزیه‌های بسیار سنگین و زندگی تجملی و چشم و هم‌چشمی در این خصوص که چون سد بزرگی بر سر راه ازدواج جوانانی که قلباً خواستار ازدواج و تشکیل خانواده هستند، قرار گرفته است.

از عوامل دیگر تأثیرگذار در نگرش منفی به ازدواج عدم آموزش افراد در زمینه‌ی ازدواج و ناآگاهی فرزندان در زمینه ازدواج است (خورشیدوند، ۱۳۷۱). ناآگاهی والدین از ضرورت ازدواج به موقع فرزندان از جمله عواملی است که بعضاً باعث بروز پاره‌ای بی-

تفاوتی‌ها می‌گردد که بیشتر در خانواده‌های محروم و کم سواد دیده می‌شود و یا مانع تراشی‌های بی‌موردی را موجب می‌شود که عملاً بر مشکلات ازدواج جوانان می‌افزاید. علاوه بر آن، رفتار والدین و شیوه‌های تربیتی والدین از عوامل مؤثر بر ازدواج جوانان به شمار می‌آید. در خانواده‌های مستبد، فرزندان ناملايمات مجرد را بر گرفتاری‌ها و مشاجرات خانواده‌های متأهل ترجیح می‌دهند. در خانواده‌های مستبد، که پدر تندخو و مستبد است، فرزند دختر ممکن است خود را با مادر تطبیق دهد و با وی مشکلی نداشته باشد، ولی به دلیل مشاهده پدر، تصویر نادرستی از مردان در ذهن خود پیدا می‌کند و به آسانی به هر خواستگاری جواب مثبت نخواهد داد. در خانواده‌هایی که مادر تندخو و بهانه‌گیر است، فرزند پسر ممکن است با مشاهده‌ی رفتار ناصحیح مادر، زنان و دختران را مانند او پندارد و در گزینش همسر برای خویش دچار وسواس شود.

در خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو تندخو و خشن هستند و پسر و دختر در کانونی پر از مشاجره بزرگ شده‌اند ممکن است در انتخاب همسر دچار مشکل و به آینده و تشکیل خانواده بدبین شوند، چرا که مهر و محبت را لمس نکرده و به درستی تربیت نشده‌اند. آنان نسبت به ازدواج دلهره دارند که این امر خود می‌تواند عاملی برای تأخیر در امر ازدواج گردد (فولادی، ۱۳۸۸: ۸۰ و ۸۱).

با مرور پژوهش‌های مرتبط با نگرش نسبت به ازدواج می‌توان به یافته‌های استن و هاتچینسون (Ston & Hutchinson, ۲۰۰۹) اشاره کرد که معتقدند نگرش نسبت به خود یا دیگران تحت تأثیر خانواده می‌باشد. وایز و کینگ (Wise & King) معتقدند که افراد الگوهای شناختی رفتاری و عاطفی خود را از محیط خانواده می‌گیرند و محیط خانواده بر عزت نفس، انتظارات، نگرش‌ها و رفتارهای بین فردی افراد نسبت به مسائل مختلف تأثیر می‌گذارد.

از سوی دیگر، گسترش و همگانی شدن تحصیلات یکی از راه‌آورد‌های مهم نوسازی است. تأثیر قدرتمند میزان تحصیلات بالا بر افزایش سن ازدواج (به ویژه سن ازدواج زنان)،

در بسیاری از مطالعات نشان داده شده است (Joshi,2003;Smith,1980)؛  
Quisumbing & Holman,2003؛ Mitra,2004؛ سگالن، ۱۳۷۰).

در واقع، مزدوج بودن، هزینه‌های ادامه تحصیل را افزایش و منافع مورد انتظار ادامه تحصیل را کاهش می‌دهد (Brien & Lillard,1994). زنان به هنگام تحصیل تمایل دارند به جای تخصیص زمان برای شوهرداری و امور منزل، زمان خود را به مطالعه و تحصیل بگذرانند.

تحصیلات عالی برای زنان بیشتر از این نظر اهمیت دارد که موقعیت اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد. زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً می‌توانند با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند (بستان، ۱۳۸۳: ۲۱). ضمن آنکه با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان می‌توانند فرصت‌های شغلی بهتری کسب نمایند و از این طریق وابستگی درآمدی و اقتصادی کمتری به شوهران خود داشته باشند (Becker,1974).

طولانی شدن دوره تحصیل و ضرورت کسب تخصص و تأمین معاش زندگی و ایجاد توقعات اجتماعی جدید چون میل به داشتن همسر با مدرک تحصیلی عالی و شغل معتبر از عوامل افزایش سن ازدواج در ایران است (بهنام، ۱۳۴۸: ۱۵۶). به عبارت دیگر، تحصیلات، ارزش‌ها و باورهای جدیدی را برای دختران ایجاد می‌نماید که در مقابل سنت‌ها مقاومت نموده و این تمایل در آن‌ها ایجاد می‌شود که یا به انتخاب خود ازدواج کنند و یا ازدواج را برای کسب یک انتخاب بهتر به تأخیر اندازند (Ikamari,2005؛ Kabir, Gulshana & Rukhshana,2001). در واقع، تأثیر آموزش و تحصیلات بر ازدواج را می‌توان به دو مسیر متفاوت استقلال و جذابیت تقسیم نمود. تأثیر استقلال از این جهت است که زنان دارای تحصیلات بالاتر به لحاظ اقتصادی مستقل هستند و به این ترتیب، می‌توانند از ازدواج امتناع نموده یا آن را برای یافتن همسر بهتر به تأخیر اندازند. تأثیر جذابیت از این جهت است که زنان با تحصیلات بالاتر، به دلیل دستمزد بالاتر یا پتانسیل درآمدی بهتر، در

پی ازدواج همسران جذابی خواهند بود و به این ترتیب، تمایل به ازدواج با آنان افزایش می‌یابد (Bruderl & Diekmann, 1997) به نقل از ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۴۱).

علاوه بر این، تأمین معاش و هزینه زندگی از مهم‌ترین نگرانی‌های جوانان در امر ازدواج می‌باشد. امید به آینده از پیش نیازهای ازدواج می‌باشد و اگر امید به آینده با عواملی مانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی تضعیف شود، ازدواج هم مشکل می‌شود (گزارش سمینار عصر جدید، ۱۳۷۰). هزینه زندگی که معمولاً خود را در جهیزیه و هزینه‌های تشکیل زندگی نشان می‌دهد (ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۳۹) باعث می‌شود جوانانی که از درآمد کافی برای ادامه حداقل زندگی برخوردار نیستند کمتر به خود جرئت می‌دهند تن به ازدواج بدهند. بسیاری از جوانان به دلیل وجود چشم و هم‌چشمی‌های نادرست و آداب و سننی که هزینه‌های سنگین را موجب می‌گردد، حتی مقدمات ازدواج را هم نمی‌توانند فراهم کنند، در نتیجه از فکر ازدواج نیز هراسانند.

بهنام در کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران (۱۳۴۸: ۱۲۹) اظهار می‌کند «در گذشته به دلیل آنکه طلاق معمول نبوده است، مهریه اندک پذیرفته می‌شد، اما از چندی پیش تأثیر زندگی شهری و نامطمئن بودن آینده زنان، بر میزان مهریه افزوده است. سنگینی هزینه‌های مربوط به تهیه جهیزیه و مخارج سنگین جشن ازدواج اشکال دیگری است که دایره همسرگزینی را تنگ‌تر می‌کند» و به دنبال آن از نگرش مثبت جوانان نسبت به ازدواج می‌کاهد. وی در ادامه اضافه می‌کند برخی از مشکلات مالی نیز بر اثر مقتضیات زندگی جدید پدید آمده است. در گذشته به دلیل وجود خانواده پدرسالار و گسترده، زوج‌های جوان بلافاصله بعد از ازدواج به منزل پدر داماد منتقل می‌شدند (پدر مکانی) و با مشکلات هزینه مسکن مستقل مواجه نبودند. اما امروزه وضع اقتصادی و تفاوت و گاه تضاد سلیقه‌ها و عقاید ایجاب می‌کند که نسل تازه زندگی جداگانه‌ای (نومکانی) ترتیب دهند (بهنام، ۱۳۴۸: ۱۵۴).

در این ارتباط، نظریه‌های اقتصادی بیش‌تر به تحلیل وابستگی بین تحصیلات و تشکیل خانواده می‌پردازند. بکر (Becker, ۱۹۷۴) با ارائه نظریه‌ی اقتصادی ازدواج از نقش



تصمیم‌گیری فرد در بازار ازدواج برای ازدواج کردن یا مجرد ماندن بر اساس منافع و هزینه‌های حاصل از این تصمیم بحث می‌کند (کنعانی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). هر چند این تئوری از شمول و جامعیت کافی برخوردار نیست، زیرا هر چند موانع اقتصادی مانند نحوه امرارمعاش و گذران زندگی و داشتن سرپناه و مسکن برای آغاز و شروع یک زندگی مهم است، ولی این عوامل باعث ایجاد موانعی دیگر به عنوان علل و دلایل بازدارنده‌ی ازدواج شده است. در این ارتباط می‌توان گفت عواملی چون میزان تحصیلات، مهریه، جهیزیه، آداب و رسوم مراسم ازدواج، عدم قناعت‌پذیری و غیره اکنون به صورت یک پدیده در پشت مشکلات اقتصادی قرار گرفته و عرض اندام می‌نماید (مجدالدین، ۱۳۸۶: ۳۷۸ و ۳۷۹).

بر اساس این نظریه می‌توان چنین عنوان نمود که ازدواج مانند سایر رفتارهای اقتصادی، یک مدل «حداکثر سازی مطلوبیت» به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، ازدواج به وقوع می‌پیوندد، اگر و فقط اگر، مطلوبیت دو طرف بر اثر این ازدواج افزایش یابد (Becker, ۱۹۷۳). در این چارچوب، همه عواملی که می‌تواند بر رفتار و تصمیم ازدواج تأثیر بگذارد، از نگاه مطلوبیت و منافع حاصل از ازدواج، مورد بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، میزان ثروت خانواده‌ها و درآمد آن‌ها بر اساس تئوری اقتصادی، با توجه به هنجارهای حاکم بر بازار ازدواج بر نگرش و گرایش به ازدواج مؤثر است. آنچه از این تئوری برمی‌آید، در مجموع، ثروت خانواده امکان تأمین هزینه‌های مربوط به زمان کافی برای جستجوی همسر مناسب را به دختران می‌دهد و از سویی دیگر، توانایی اداره مستقلانه زندگی دختر بدون داشتن همسر را فراهم می‌آورد و به طور معمول، از آن به عنوان یکی از عوامل عدم گرایش به ازدواج و تأخیر در سن ازدواج یاد می‌گردد (ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۴۰). بنابراین، گاهی نیز داشتن توان اقتصادی و داشتن شغل مخصوصاً در صورتی است که دختران شاغل باشند، مانع ازدواج می‌شود. بسیاری از دخترانی که شغلی برای خود دست و پا می‌کنند و مشغول به کار می‌شوند، رغبت خود را نسبت به ازدواج از دست می‌دهند (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۴۶ و ۱۴۷). در این ارتباط بهنام می‌نویسد «در گذشته یکی

از عوامل روی آوردن زنان به ازدواج، محرومیت آنها از استقلال اجتماعی و اقتصادی بود. زن در زندگی زناشویی نه فقط به دنبال احترام و اعتبار اجتماعی و اقتصادی بوده است، بلکه گاهی نیز وسایل تأمین زندگی مادی زنان جز در خانه شوهر فراهم نمی‌آمده است.

رویکرد فمینیستی - مارکسیستی در تحلیل شرایط اقتصادی، بر قدرت مردان و زنان در پیوند ازدواج تأکید می‌ورزد و ازدواج را در چارچوب نظریه بازی‌ها بررسی می‌نماید (Pollak, 2005; Lundberg & Pollak, 1993) به نقل از ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۴۰).

از این منظر، به تدریج با ایجاد شدن فرصت‌های شغلی بهتر و بیشتر برای زنان و استقلال اقتصادی آنان و نیز قوانین و برنامه‌های حمایتی از زنان، مادران و فرزندان، قدرت چانه‌زنی (Bargaining) نیز در ازدواج افزایش یافته و قدرت انتخاب مجرد را به آنان داده است. وجود این قدرت تاریخی مردان، انگیزه‌ای برای زنان برای ترک ازدواج شده است که کاهش رشد ازدواج‌ها را توجیه می‌نماید و این تحت شرایطی است که زنان به لحاظ اقتصادی از مردان مستقل شده باشند و سرسختی و سازش‌ناپذیری مردسالارانه همچنان در تضادهای خانوادگی وجود داشته باشد (Mc Crate, 1987).

همچنین، مردم در انتخاب‌های خود منطقی بوده و درصدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. بارتز و نای (Bartz And Nye, ۱۹۷۰) با کاربرد نظریه مبادله در مورد ازدواج، دو دسته علل تعیین‌کننده ازدواج را مشخص کردند. دسته اول آن‌هایی هستند که موجب می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم مواردی هستند که موجب می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های نامطلوب برای فرد کمتر نامطلوب باشد. آن‌ها با بررسی ۲۳ قضیه مربوط به عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با ازدواج یک قضیه نظری عام را مطرح نموده‌اند، به این صورت که هر قدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، احتمال ازدواج زودرس بیشتر خواهد بود (کنعانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸ به نقل از کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۲).

بر اساس این نظریه، یکی از عواملی که باعث نگرش منفی به ازدواج می‌گردد، احتیاط بیش از حد و وسواس‌گونه دختر و پسر (یا خانواده آن‌ها) در مورد همسر آینده می‌باشد. افرادی که بیش از حد در این زمینه وسواس به خرج می‌دهند نمی‌توانند در مورد ازدواج و انتخاب همسر آینده خود تصمیم بگیرند (شجاعی، ۱۳۸۴: ۴۹).

بی‌تردید تجربه جوان از زندگی والدین و روابط زناشویی اقوام و اطرافیان، در نگرش او به مسأله ازدواج مؤثر بوده و هرگونه بدبینی در اقدام جوان به ازدواج تأثیر خواهد داشت. مشاهده خانواده‌هایی که در حیات زناشویی موفقیت نداشته و پیوسته در مشاجرات و اختلافات به سر می‌برند، به منزله یک تهدید جدی برای جوانان محسوب می‌شود. آن‌ها مایل نیستند فراغت خاطر و آسایش خود را از دست بدهند. این دسته از جوانان ناملايمات تجرد را بر گرفتاری‌ها و مشاجرات خانواده‌های متأهل ترجیح می‌دهند. بنابراین تجارب تلخ از زندگی ناموفق والدین یا اطرافیان موجب روگردانی جوان از امر ازدواج می‌شود (غیبی، ۱۳۸۸).

بالا رفتن میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی مانند اعتیاد، بی‌بندوباری، همسر آزاری، طلاق، روابط سرد همسران، دخالت اطرافیان و مانند آن، نه تنها موجب از هم پاشیدگی خانواده‌ها گردیده است، بلکه موجب سلب اعتماد جوانان از ازدواج گردیده و سبب شده است جوان امروز به ازدواج به عنوان عامل خوشبختی نگاه نکند و سرنوشت خود را به کسانی که در دام این آسیب‌ها گرفتار شده‌اند، تشبیه کند. وقتی جوان به اطراف خود می‌نگرد و ازدواج‌هایی را می‌یابد که پس از مدت کوتاهی دچار بحران می‌شوند و هر یک از پسر و دختر اظهار پشیمانی می‌کنند که چرا زود خود را در این دام انداختند، انگیزه‌ی خود را از دست می‌دهد و اجازه نمی‌دهد آزادی او به خاطر این سنت اجتماعی به خطر افتد. به خصوص در مواردی که افراد در ازدواج شکست بخورند، نسبت به دوستان مجرد خود احساس مسئولیت می‌کنند و سعی می‌نمایند آن‌ها را از دچار شدن به سرنوشت خود باز دارند. در این وضعیت، طبیعی است که برخی دختران و پسران جوان تحت تأثیر قرار گرفته و نسبت به ازدواج بدبین شوند (رجبی، ۱۳۸۶: ۴۱).

موقعیت درآمدی مردان جوان، خصوصاً در جوامعی که نقش اقتصادی شوهر به عنوان نان‌آور خانواده، همچنان مهم باشد، در این صورت زمانی که طول می‌کشد تا مردان به یک شغل پایدار برسند نیز در تصمیم به ازدواج مردان و بنابراین، سن ازدواج هم مردان و هم زنان تأثیرگذار است. مردان جوان تمایل دارند ازدواجشان را تا یافتن یک شغل مناسب برای کسب توانایی اداره هزینه‌های ازدواج به تأخیر اندازند (Oppenheimer, 1988).

پارسونز در قالب نظریه کارکردگرایی در مورد فرایند هسته‌ای شدن خانواده به بیان اهمیت شغل پرداخته و بر اساس متغیرهای الگویی خویش آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می‌داند. به نظر وی، یکی از آثار پیچیدگی نظام این است که از شغل یک رکن اصلی پایگاه اجتماعی می‌سازد. از طرف دیگر، پایگاه شغلی یک فرد عموماً حاصل یک فرایند طولانی سرمایه‌گذاری و آموزش می‌باشد. به این ترتیب، جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود از عهده تأمین معاش خانواده برمی‌آیند، و چون افراد نمی‌توانند در سنین معینی درآمد کافی داشته باشند، نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند (بهنام، ۱۳۴۸: ۲۲۱).

در واقع، در جامعه کنونی به دلیل وجود تعارض‌های ساختاری در سیستم اجتماعی-فرهنگی و به بیان دیگر، تعارض در ارزش‌ها از یک سو و تعارض در اهداف و وسایل از سوی دیگر، شرایط به گونه‌ای است که جوانان همه شغل‌ها را نمی‌پذیرند و یا نمی‌توانند بپذیرند و فقط تعداد محدودی شغل است که همه طالب آن هستند و به علت نوع خاص وظایف و نقش‌های مردان در زندگی خانوادگی که وظیفه تأمین مخارج و هزینه زندگی بر عهده مردان است، نیافتن و یا نداشتن شغل مناسب برای پسران موجب تأخیر در بلوغ اقتصادی و در نتیجه تأخیر در سن ازدواج آن‌ها و به تبع آن تأخیر در سن ازدواج دختران می‌گردد.

مسأله انتخاب همسر به طریقه سنتی و توسط پدر و مادر از جمله مشکلاتی است که جوانان در راه ازدواج خود از آن یاد می‌کنند. در گذشته خانواده‌ها فکر می‌کردند که جوانان برای همسرگزینی صلاحیت لازم را ندارند و بیشتر تابع احساسات هستند و به همین جهت

حق انتخاب همسر برای فرزندان‌شان را از آن خود می‌دانستند. اکنون عوامل مختلف از جمله رشد فکری و معنوی جوانان به آن‌ها استقلال فکری و قدرت تصمیم‌گیری داده است، به نحوی که تدریجاً حق همسرگزینی را که زمانی بر عهده پدر و مادرشان بود خود به عهده گرفته‌اند.

برخی محققان برای تبیین تفاوت در زمان تشکیل خانواده بین افراد، از مفهوم نوسازی (Modernization) استفاده کرده‌اند (Malhotra & Tsui, 1996) به نقل از محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۰). نظریه نوسازی بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی به نظم مدرن باعث تغییراتی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد و در بین تمامی گروه‌ها شده است و این تغییرات به نوبه خود موجب دگرگونی در ارزش‌ها، انتظارات، خواسته‌ها و ... خواهند شد (اینگلهارت، ۱۳۷۷: ۳۲۶).

این نکته را می‌توان بر مبنای نظریه نوسازی چنین تبیین نمود که در جریان نوسازی، خانواده محوری به فرد محوری تبدیل می‌شود. فرایند نوسازی با ترجیح خانواده هسته‌ای، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می‌کند.

در جریان نوسازی، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده، به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود. این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خویشاوندی می‌کند و در نتیجه، خانواده به واحد هسته‌ای که بر فردگرایی استوار است، تبدیل می‌شود. فردگرایی بدین معنی است که بخش عمده‌ای از تصمیمات مربوط به زندگی اعضای خانواده، مانند تصمیم‌گیری در مورد تشکیل خانواده و ازدواج، توسط خود افراد اتخاذ می‌شود. این فردگرایی که می‌تواند به عنوان کنترل بیشتر افراد بر سرنوشت خود تلقی شود، فرایند تصمیم‌گیری و عملی شدن آن را، در مقایسه با زمانی که توسط خانواده انجام می‌شد، متحول می‌کند. از این‌رو، شروع نوسازی با تأخیر در تحقق تصمیمات فردی هماهنگ است (محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۰).

از سوی دیگر، نوسازی با ایجاد انتظاراتی برای استاندارد زندگی کافی برای بعد از ازدواج، باعث تردید برای ازدواج و در نتیجه تأخیر سن ازدواج می‌گردد (حبیب‌پور گنابی و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۷). در واقع، توسعه اقتصادی جامعه عاملی است که باعث شده توقعات جوانان سیر صعودی بی‌ماید و بر سن ازدواج آنان اثر بگذارد. توقعات بالا و یا احیاناً توقع-های بیجا و نادرست از قبیل اینکه همسر آینده باید دارای خانه شخصی و اتومبیل و وسایل رفاهی و غیره باشد یا صاحب فلان پست و عنوان و تحصیلات عالی و یا فلان قیافه باشد، موجب کاهش ازدواج به موقع جوانان می‌گردد. این توقعات که از طرف جوانان یا خانواده‌ها عنوان می‌گردند در صورتی که در سطح معمول و منطبق با واقعیت‌ها نباشند، می‌توانند موجبات تأخیر در سن ازدواج جوانان را فراهم آورند.

در مجموع، به دلیل خصلت چند بعدی پدیده‌های اجتماعی و انسانی و تکرر نظریه‌های متعدد در خصوص زوایای گوناگون ازدواج، در این تحقیق سعی می‌گردد از طریق گزینش تلفیقی بهینه از نظریه‌های مرتبط و مقتضی، به شناخت و تبیین بهتری از نگرش منفی به ازدواج و دلایل افزایش سن ازدواج دست یافت. در واقع، پس از بررسی دیدگاه‌ها و نظرات محققان در مورد علل و عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج و تغییر معیارهای انتخاب همسر و مسائل و مشکلات مرتبط با ازدواج جوانان، چارچوب نظری مورد استفاده در این مطالعه به شرح ذیل است.

نظریه نوسازی، تحولات ازدواج و مسائل و مشکلات ناشی از آن را مربوط به تغییرات ساختاری در جامعه به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی؛ یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی می‌داند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۳). بر این مبنای، در این مطالعه بر اساس این نظریه به بررسی نقش عوامل تغییر الگوی ازدواج، افزایش تحصیلات، خانواده، افزایش توقعات و تضعیف باورهای دینی در نگرش به ازدواج پرداخته شده است. همچنین بر اساس نظریه مبادله، ازدواج به عنوان پدیده‌ای است که در قالب مبادله اجتماعی صورت می‌گیرد و عناصر مربوط به مبادله یعنی داده و ستانده بر معیارهای انتخاب

همسر تأثیر می‌گذارند. جوانان برای کسب موقعیت‌های اجتماعی بالاتر سعی می‌کنند ازدواج خود را به تأخیر بیندازند. طبق نظریه مبادله، تصمیم‌گیری به ازدواج، نوعی تصمیم به سرمایه‌گذاری است و شخص، ارزیابی عقلانی از هزینه‌ها و منافع حاصل از ازدواج را در نظر می‌گیرد (همان: ۸۴). بر این مبنای، بررسی نقش عوامل تردید در انتخاب همسر، ترس از آینده، افزایش انحرافات و وجود اختلاف بین والدین بر اساس این نظریه مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، بر اساس نظریه اقتصادی نقش عوامل وضعیت اقتصادی، سنگینی مخارج ازدواج، مشکلات مسکن و سنت‌های ازدواج در نگرش به ازدواج مورد سنجش قرار گرفته است.

با توجه به مباحث فوق فرضیه‌های تحقیق به شرح ذیل تدوین گردیده است:

- بین تغییرات ساختاری در جامعه (تغییر الگوی ازدواج، افزایش تحصیلات، خانواده، افزایش توقعات و تضعیف باورهای دینی) و نگرش منفی به ازدواج رابطه وجود دارد.

- بین ارزیابی عقلانی از هزینه‌ها و منافع حاصل از ازدواج (تردید در انتخاب همسر، ترس از آینده، افزایش انحرافات و وجود اختلاف بین والدین) و نگرش منفی به ازدواج رابطه وجود دارد.

- بین عوامل اقتصادی (وضعیت اقتصادی، سنگینی مخارج ازدواج، مشکلات مسکن و سنت‌های ازدواج) و نگرش منفی به ازدواج رابطه وجود دارد.

### ۳. روش تحقیق

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی (Social survey) بوده و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. در این پژوهش، برای سنجش هر یک از متغیرهای اصلی پژوهش از گویه‌های مربوطه در قالب طیف لیکرت استفاده گردیده است. پس از جمع‌آوری داده‌های تحقیق، با استفاده از برنامه کامپیوتری SPSS و محاسبات آماری مربوطه، تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق صورت گرفته است.

### جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت فعال (۶۵-۱۵ سال) شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۱ می‌باشد. با بهره‌گیری از فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۶۲۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش تصادفی افراد مورد مطالعه انتخاب گردیده‌اند.

### ۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق توصیف گردیده و پس از آن به تجزیه و تحلیل رابطه بین متغیرهای تحقیق پرداخته شده است.

#### ۱.۵ مشخصات فردی

بر اساس یافته‌های تحقیق، ۳۷.۶ درصد از پاسخگویان مرد و ۶۲.۴ درصد زن می‌باشند. بر اساس یافته‌های پژوهش، بیشترین میزان تحصیلات مربوط به تحصیلات در حد فوق‌دیپلم و لیسانس بوده است (۳۶ درصد)، سطح تحصیلات ۱۷.۹ درصد از پاسخگویان زیر دیپلم، ۴۳۵.۵ درصد دیپلم و ۳.۹ درصد فوق‌لیسانس و دکتری می‌باشد. بررسی وضع پاسخگویان به لحاظ وضعیت اشتغال نشان می‌دهد ۴۷.۷ درصد از پاسخگویان غیر شاغل و ۳۸.۲ درصد شاغل می‌باشند.

#### ۲.۵ عوامل مؤثر بر نگرش منفی به ازدواج و تأخیر سن ازدواج

در این مطالعه در مجموع ۸۴ عامل مؤثر بر نگرش نسبت به ازدواج و تأخیر در سن ازدواج مورد بررسی قرار گرفته است. کلیه عوامل در پانزده عامل جمع گردیده و بر اساس آن نقش هر یک از متغیرهای پانزده‌گانه فوق و میزان تأثیر هر گویه در هر یک از متغیرها بر تأخیر سن ازدواج از دیدگاه پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول شماره ۱ میانگین هر گویه در هر یک از عوامل فوق نشان داده شده است.



جدول شماره ۱: مقایسه میانگین (۱ تا ۳) عوامل مؤثر بر نگرش منفی به ازدواج و

تأخیر سن ازدواج

عوامل	گویه‌ها	میانگین	عوامل	گویه‌ها	میانگین
خانواده	عدم پذیرش ملاک‌های انتخاب همسر فرد توسط والدین	۱.۹۷	افزایش انحرافات	گسترش فساد اخلاقی	۲.۴۶
	تحمیل نظرات والدین برای انتخاب همسر	۱.۹۱		گرایش پسرها به اعتیاد	۲.۳۵
	طرح ازدواج‌های ناموفق از طرف خانواده	۱.۹۳		بی‌اعتنایی به تعهدات زندگی زناشویی	۲.۵۰
	عدم مهارت لازم و کافی خانواده	۱.۹۹		الگو برداری جوانان از فرهنگ غرب	۲.۳۶
	مانع‌تراشی والدین بر سر راه ازدواج فرزندان	۲.۰۵		رواج دوستی‌های خیابانی	۲.۵۵
	ناآگاهی والدین از ضرورت ازدواج به موقع فرزندان	۲.۲۲		بی‌اعتمادی به جنس مخالف	۲.۳۷
	سخت‌گیری‌های بی‌مورد خانواده	۲.۲۹		ترس از خیانت همسر	۲.۲۶
	عدم حمایت والدین در مورد ازدواج	۲.۰۴		افزایش طلاق در جامعه	۲.۲۳
	انتخاب همسر به صورت سنتی و توسط والدین	۱.۸۰		ترس از همسر آزاری	۱.۸۳
	تأکید خانواده بر وضعیت اقتصادی همسر	۲.۲۹		تنوع‌طلبی جوانان	۲.۲۵
وضعیت اقتصادی	تأکید خانواده به ادامه تحصیل فرزند به ویژه فرزند دختر	۲.۲۰	تردید در انتخاب همسر	مسئولیت‌گریزی	۲.۳۱
	اعتقاد به ازدواج فرزندان به ترتیب سن	۲.۲۹		سختی پیدا کردن فرد مطمئن برای ازدواج	۲.۳۶
	سخت‌گیری نسبت به گذراندن نظام‌وظیفه توسط پسر	۲.۱۲		نیافتن همسر ایده‌آل	۲.۲۳
	تأکید خانواده بر وضعیت اقتصادی همسر	۲.۲۹		تردید در انتخاب همسر	۲.۲۴
افزایش توقعات	فقر خانوادگی	۲.۲۳	ترس از آینده	وسواس بیش از حد در انتخاب همسر	۲.۲۳
	عدم درآمد کافی	۲.۴۶		ترس از ناسازگاری	۲.۱۳
	نگرانی از تأمین معاش و هزینه‌های زندگی	۲.۵۹		ترس از عدم موفقیت در ازدواج	۲.۳۱
	تحصیلات بالاتر، افزایش توقعات	۲.۵۸		ترس از عدم تفاهم اخلاقی با همسر	۲.۲۳
بیکاری	افزایش سطح انتظارات جوانان	۲.۶۱	سنگینی مخارج ازدواج	ترس از تشکیل خانواده	۲.۰۷
	افزایش توقعات دختران و حساسیت نسبت به همسر	۲.۶۰		تردید نسبت به آینده	۲.۰۶
	توقعات جسمانی (تیپ و قیافه طرف)	۲.۴۶		هزینه‌های سنگین عقد و عروسی	۲.۴۹
	بالا رفتن توقعات و رد کردن خواستگاران	۲.۵۳	ازدواج	گرفتن مهریه سنگین از طرف دختر	۲.۵۳
	بیکاری و عدم اشتغال	۲.۶۹		هزینه‌های مربوط به تهیه جهیزیه	۲.۴۸
	نداشتن شغل مناسب	۲.۵۳			
	درآمد ناکافی؛ عدم تضمین برای زندگی آینده	۲.۵۸			

۲.۰۹	تجارب تلخ زندگی والدین	اختلافات	۲.۴۲	نداشتن مسکن	مشکلات
۱.۸۳	مشاجرات و اختلافات والدین	والدین	۲.۵۵	گرانی مسکن و اجاره‌ها	مسکن
۲.۰۹	دگرگونی در الگوی ازدواج	تغییر الگوی ازدواج	۱.۸۰	انتخاب همسر به صورت سستی و توسط والدین	سنت‌های ازدواج
۲.۱۳	اعتقاد به داشتن زندگی آزاد		۲.۲۹	اعتقاد به ازدواج فرزندان به ترتیب سن	
۲.۱۵	تغییر اهداف ازدواج		۱.۹۲	کاهش نقش خانواده در ازدواج فرزندان	
۲.۰۸	انتخاب آزادانه همسر		۲.۲۲	تزلزل ارزش‌های سستی و فرهنگی	
۲.۰۰	طولانی شدن فرایند ازدواج				
۲.۲۰	تأکید خانواده به ادامه تحصیل فرزند	افزایش	۲.۴۸	کمرنگ شدن ارزش‌های معنوی	باورهای دینی
۲.۱۷	گسترش تحصیلات عمومی		۲.۴۴	کاهش اعتقادات دینی	
۲.۳۹	گرایش به تحصیلات عالی		۲.۵۰	کم شدن توکل به خداوند	
۲.۴۴	طولانی شدن دوره تحصیلات	تحصیلات	۱.۹۶	عدم ارائه معیارهای مناسب ازدواج از طرف رسانه‌ها	کارکرد رسانه‌ها
۲.۶۰	افزایش تحصیلات دختران	۱.۹۴	عدم ارائه برنامه توجیهی ازدواج مناسب در رسانه‌ها		
۲.۱۱	تحصیل در خارج از محل سکونت	۲.۱۱	ارائه تصویر منفی از ازدواج در فیلم‌ها		

همان‌گونه که میانگین‌های مربوطه نشان می‌دهند عامل بیکاری و عدم اشتغال از میان ۸۴ عامل بررسی شده، بیشترین تأثیر را بر نگرش منفی به ازدواج و در نتیجه افزایش سن ازدواج در جامعه داشته است. پس از آن، عوامل افزایش توقعات و سطح انتظارات جوانان و به ویژه افزایش توقعات دختران و نیز افزایش سطح تحصیلات دختران و افزایش توقعات ناشی از آن و عدم اشتغال و درآمد کافی و نگرانی از تأمین معاش و هزینه‌های زندگی و به نوعی عدم تضمین برای زندگی آینده نقش اساسی در این نوع نگرش ایفا می‌نمایند.

بر اساس نتایج پژوهش، افزایش عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج، شیوع بی‌بندوباری و بی‌اعتنایی نسبت به تعهدات زندگی زناشویی، گسترش فساد اخلاقی و کاهش میزان دینداری، کمرنگ شدن ارزش‌های معنوی و توکل به خداوند متعال در بین جوانان می‌باشد. علاوه بر آن، مسئولیت‌گریزی، ترس از آینده و ترس از عدم موفقیت در ازدواج و نیز بی‌اعتنایی به جنس مخالف و سختی پیدا کردن فرد مطمئن برای ازدواج با توجه به رواج دوستی‌های خیابانی دختر و پسر از موانع عمده ازدواج جوانان محسوب می‌گردند.

از عوامل دیگری که در تأخیر سن ازدواج جوانان نقش مهمی ایفا می‌کند برخی از سنت‌های خاص خانوادگی مانند اعتقاد به ازدواج فرزندان به ترتیب سن، تأکید خانواده دختر نسبت به گذراندن دوره نظام‌وظیفه افراد خواستگار و نیز سخت‌گیری‌های بی‌مورد خانواده و تحمیل نظرات والدین برای انتخاب فرزندان و نیز به رخ کشیدن ازدواج‌های ناموفق از طرف خانواده می‌باشد. در این ارتباط، عدم حمایت والدین در مورد ازدواج، عدم مهارت لازم و کافی خانواده و نیز کاهش نقش خانواده در ازدواج فرزندان از عوامل اساسی تأخیر سن ازدواج به شمار می‌آیند.

با توجه به اهمیت نقش خانواده در ازدواج فرزندان، علاوه بر تأثیرات فوق، تأکید خانواده‌ها به ادامه تحصیل فرزند، ناآگاهی والدین از ضرورت ازدواج به موقع فرزندان، تأکید خانواده بر وضعیت اقتصادی همسر، تجارب تلخ و سختی‌های زندگی والدین، عدم پذیرش ملاک‌های انتخاب همسر توسط والدین در ایجاد نگرش منفی نسبت به ازدواج در بین جوانان و تأخیر سن ازدواج مؤثر می‌باشد. علاوه بر موارد فوق، نتایج پژوهش بیانگر این امر است که عوامل روانی و اجتماعی خاص مانند تنوع‌طلبی جوانان، ترس از خیانت همسر و تردید در انتخاب همسر، نیافتن همسر ایده‌آل، وسواس بیش از حد در انتخاب همسر، ترس از عدم تفاهم اخلاقی با همسر، ترس از سازگار در ایجاد نگرش منفی به ازدواج و نیز تأخیر سن ازدواج مؤثر می‌باشند.

از سوی دیگر، رسانه‌های گروهی در نگرش شهروندان به ازدواج مؤثر می‌باشند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد آگاهی بخشی ازدواج مناسب در رسانه‌ها و عدم ارائه معیارهای مناسب ازدواج از طرف رسانه‌ها به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تأخیر سن ازدواج جوانان می‌باشد.

با توجه به مجموع شاخص‌های فوق جدول توزیع پراکندگی ارزیابی پاسخگویان از تأثیر هر یک از عوامل پانزده‌گانه فوق در نگرش منفی به ازدواج در ذیل ارائه گردیده است.

جدول شماره ۲: توزیع پراکندگی و آماره‌های قابل مقایسه ارزیابی پاسخگویان از

تأثیر عوامل مؤثر در نگرش منفی به ازدواج

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
خانواده	۱۳	۳۹	۲۶.۹۳	۴.۸۸	افزایش توقعات	۲	۱۵	۱۲.۶۸	۲.۲۷
وضعیت اقتصادی	۴	۱۲	۹.۵۱	۱.۸۲	افزایش تحصیلات	۶	۱۸	۱۶.۳۹	۳.۰۹
تردید در انتخاب همسر	۲	۱۲	۹.۰۰۳	۲.۰۲	سنت‌های ازدواج	۴	۱۲	۸.۱۸	۱.۷۷
بیکاری	۲	۹	۷.۷۴	۱.۴۶	ترس از آینده	۴	۲۷	۱۰.۷۹	۲.۷۵
تغییر الگوی ازدواج	۴	۱۵	۱۰.۳۴	۲.۳۰	کارکرد رسانه‌ها	۲	۹	۵.۹۸	۱.۷۹
سنگینی مخارج ازدواج	۳	۹	۷.۴۹	۱.۶۸	تضعیف باورهای دینی	۳	۹	۷.۳۸	۱.۸۴
افزایش انحرافات	۳	۳۶	۲۷.۶۵	۵.۳۸	اختلافات والدین	۱	۶	۳.۸۶	۱.۲۹
مشکلات مسکن	۲	۶	۴.۹۶	۱.۲۰					

### ۳.۵ نگرش به ازدواج

در این تحقیق، نگرش افراد نسبت به ازدواج به عنوان متغیر وابسته تحقیق با استفاده از ۸ گویه در قالب طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول زیر پاسخ‌های پاسخگویان به هر یک از گویه‌های طیف ارائه گردیده است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی و درصدی پاسخ پاسخگویان به گویه‌های نگرش نسبت به ازدواج

کاملاً مخالف	مخالف	تاحدودی	موافق	کاملاً موافق	گویه‌ها
۳۴.۷	۲۹.۳	۱۷.۳	۱۱.۰	۷.۶	ازدواج هم مانند سایر مراحل زندگی است و فرقی با آن ندارد.
۵.۵	۸.۹	۱۴.۹	۳۵.۳	۳۵.۴	بالاخره باید یک روزی ازدواج کرد.
۱۲.۰	۲۸.۵	۲۳.۲	۱۶.۴	۱۹.۹	آدم تا موقعی که عاشق طرف مقابل خود نشده، نباید با او ازدواج کند.
۲.۵	۱.۱	۸.۴	۳۳.۷	۵۴.۴	باید کسی را برای ازدواج انتخاب کرد که بتوان با او به کمال رسید.
۲.۳	۲.۴	۴.۹	۲۰.۳	۷۰.۱	ازدواج موضوع مهمی است و نباید آن را دست کم گرفت.
۲۹.۷	۳۲.۶	۲۴.۸	۸.۳	۴.۷	با ازدواج کردن، بسیاری از فرصت‌هایی که می‌توان بدست آورد، از دست می‌رود.
۵۰.۲	۳۲.۸	۱۱.۱	۲.۷	۳.۱	کاش آدم می‌توانست تا آخر عمر ازدواج نکند و مجرد بماند.
۴۷.۱	۳۶.۱	۱۰.۲	۲.۸	۳.۹	ازدواج بیش‌تر به ضرر آدم تمام می‌شود تا سود او.

با توجه به مجموع شاخص‌های فوق جدول توزیع پراکندگی نگرش منفی پاسخگویان به ازدواج در ذیل ارائه گردیده است.

جدول شماره ۴: توزیع پراکندگی و آماره‌های قابل مقایسه نگرش منفی پاسخگویان به ازدواج

متغیر	حداقل	حداکثر	دامنه	میانگین	انحراف معیار
نگرش منفی به ازدواج	۹	۳۱	۲۲	۱۷.۷۱	۳.۸۳

با توجه به جدول فوق، کرانه بالای نمرات ۳۱، کرانه پایین نمرات ۹ و دامنه‌ی تغییر نمرات در جامعه آماری مورد بررسی ۲۲ بوده است، میانگین نمره پاسخگویان برابر با

۱۷.۷۱ و انحراف معیار آن ۳.۸۳ می‌باشد. با تقسیم دامنه تغییر به عدد ۳ با فواصل مساوی جدول توزیع فراوانی زیر بدست آمده است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی و درصدی میزان نگرش منفی پاسخگویان به ازدواج

مورد	فراوانی	درصد
کم	۱۹۰	۳۰.۶
متوسط	۲۹۵	۴۷.۶
زیاد	۱۳۵	۲۱.۸
جمع	۶۲۰	۱۰۰.۰

بر اساس یافته‌های جدول فوق، میزان نگرش منفی ۳۰.۶ درصد از پاسخگویان به ازدواج در حد کم، ۴۷.۶ درصد متوسط و ۲۱.۸ درصد در حد زیاد می‌باشد.

#### ۴.۵ تحلیل یافته‌ها

در این بخش، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون تک متغیره، رابطه بین متغیرهای تحقیق مورد تحلیل قرار گرفته است.

#### ۱.۴.۵ تجزیه و تحلیل دو متغیره

در این مطالعه رابطه بین متغیرهای مستقل تحقیق شامل نقش خانواده و طرز تلقی والدین از ازدواج فرزندان، وضعیت اقتصادی نامناسب خانواده، افزایش توقعات جوانان و خانواده-ها، بیکاری و عدم اشتغال، مشکل مسکن و افزایش اجاره‌بها، سنگینی مخارج ازدواج، گسترش انحرافات، تردید در انتخاب همسر، ترس از آینده، گسترش تحصیلات و آموزش عالی، سنت‌های مربوط به ازدواج، تغییر الگوهای ازدواج، نقش رسانه‌های گروهی، کاهش باورهای دینی، اختلافات والدین با نگرش منفی به ازدواج به عنوان متغیر وابسته تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۶: رابطه بین متغیرهای مستقل تحقیق و نگرش منفی پاسخگویان به

ازدواج

وضعیت مسکن	بیکاری	افزایش توقعات	وضعیت اقتصادی	خانواده	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۷	۰/۲۰۰	۰/۲۰۹	۰/۲۸۲	۰/۱۸۲	r
۰/۸۶۹	۰/۰۱۳	۰/۰۰۱	۰/۰۲۸	۰/۰۴۲	Sig
افزایش تحصیلات	تردید در انتخاب همسر	کارکرد نامناسب رسانه‌ها	انحرافات اجتماعی	سنگینی مخارج ازدواج	متغیرهای مستقل
۰/۰۵۷	۰/۰۴۴	-۰/۱۹۷	۰/۱۵۵	۰/۲۳۰	r
۰/۰۶۰	۰/۰۸۰	۰/۰۱۶	۰/۰۵۰	۰/۰۰۰	Sig
سنت‌های ازدواج	اختلافات والدین	تضعیف باورهای دینی	ترس از آینده	تغییر الگوهای ازدواج	متغیرهای مستقل
۰/۰۲۱	۰/۱۴۴	۰/۲۵۷	۰/۱۵۱	۰/۰۶۶	r
۰/۵۹۸	۰/۲۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	۰/۱۰۴	Sig

نگرش منفی به ازدواج

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین متغیرهای خانواده، وضعیت اقتصادی، افزایش توقعات، بیکاری، سنگینی مخارج ازدواج، انحرافات اجتماعی و اخلاقی، کارکرد نامناسب رسانه‌ها، ترس از آینده و تضعیف باورهای دینی با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار وجود دارد. نتایج فعالیت آماری در ارتباط با رابطه بین هر یک از متغیرهای مستقل و نگرش منفی به ازدواج با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، جز در ارتباط با کارکرد نامناسب رسانه‌ها، همبستگی مثبت و معنی‌دار رابطه بین متغیرهای فوق در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد را مورد تأیید قرار داده است.

۲.۴.۵ رگرسیون یک متغیری

در رگرسیون یک متغیری، یک متغیر وابسته توسط یک متغیر مستقل پیش‌بینی می‌شود. به لحاظ آماری عمل پیش‌بینی وقتی امکان‌پذیر است که از طریق مطالعه مقدماتی، وجود

همبستگی بین متغیرهای X و Y معین شده باشد. هر چه همبستگی قوی‌تر باشد، پیش‌بینی نیز دقیق‌تر است (زارع و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

جدول شماره ۷: نتایج رگرسیون عوامل مؤثر بر نگرش منفی به ازدواج

متغیر پیش‌بینی کننده	شاخص‌ها متغیر ملاک	R	R <sup>2</sup>	B	Beta	F	t	sig
خانواده	نمونه منفی به ازدواج	۰.۰۸۲	۰.۰۰۷	۰.۰۶۴	۰.۰۸۲	۴.۱۵۸	۲.۰۳۹	۰.۰۴۲
وضعیت اقتصادی		۰.۰۸۸	۰.۰۰۸	۰.۱۸۶	۰.۰۸۸	۴.۸۵۱	۲.۲۰۳	۰.۰۲۸
افزایش توقعات		۰.۱۰۹	۰.۰۱۲	۰.۱۸۴	۰.۱۰۹	۷.۳۴۵	۲.۷۱۰	۰.۰۰۷
بیکاری		۰.۱۰۰	۰.۰۱۰	۰.۲۶۱	۰.۱۰۰	۶.۱۷۴	۲.۴۸۵	۰.۰۱۳
مشکلات مسکن		۰.۰۰۷	۰.۰۰۰	۰.۰۲۲	۰.۰۰۷	۰.۰۲۷	۰.۱۶۶	۰.۸۶۹
سنگینی مخارج ازدواج		۰.۱۳۰	۰.۰۱۷	۰.۲۹۸	۰.۱۳۰	۱۰.۴۹۳	۳.۲۳۹	۰.۰۰۱
افزایش انحرافات		۰.۰۵۵	۰.۰۰۳	۰.۰۳۹	۰.۰۵۵	۱.۹۰۵	۱.۳۸۰	۰.۱۶۸
ترس از آینده		۰.۰۵۱	۰.۰۰۳	۰.۰۷۲	۰.۰۵۱	۱.۵۷۲	۱.۲۵۴	۰.۲۱۰
تردید در انتخاب همسر		۰.۰۴۴	۰.۰۰۲	۰.۰۸۳	۰.۰۴۴	۱.۱۷۰	۱.۰۸۱	۰.۲۸۰
افزایش تحصیلات		۰.۰۵۷	۰.۰۰۳	۰.۰۷۰	۰.۰۵۷	۱.۹۸۲	۱.۴۰۸	۰.۱۶۰
سنت‌های ازدواج		۰.۰۲۱	۰.۰۰۰	۰.۰۴۶	۰.۰۲۱	۰.۲۷۸	۰.۵۲۷	۰.۵۹۸
تغییر الگوی ازدواج		۰.۰۶۶	۰.۰۰۴	۰.۱۱۰	۰.۰۶۶	۲.۶۵۵	۱.۶۲۹	۰.۱۰۴
کارکرد نامناسب رسانه‌ها		۰.۰۹۷	۰.۰۰۹	۰.۲۰۷	۰.۰۹۷	۵.۸۰۰	۲.۴۰۸	۰.۰۱۶
تضعیف باورهای دینی		۰.۱۵۷	۰.۰۲۵	۰.۳۲۸	۰.۱۵۷	۱۵.۵۷۸	۳.۹۴۷	۰.۰۰۰
اختلافات والدین	۰.۰۱۴	۰.۰۰۰	۰.۰۴۲	۰.۰۱۴	۰.۱۲۲	۰.۳۴۹	۰.۷۲۷	

بر اساس جدول فوق، مقدار آماره F محاسبه شده برای هر یک از عوامل خانواده (۴.۱۵)، وضعیت اقتصادی (۴.۸۵)، افزایش توقعات (۷.۳۴)، بیکاری (۶.۱۷)، سنگینی مخارج ازدواج (۱۰.۴۹)، کارکرد نامناسب رسانه‌ها (۵.۸۰۰) و تضعیف باورهای دینی (۱۵.۵۷) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده است. بنابراین عوامل مذکور در پیش‌بینی نگرش منفی به ازدواج مؤثر می‌باشد. به گونه‌ای که عوامل تضعیف باورهای دینی قوی‌ترین



پیش‌بینی کننده و بعد از آن عوامل سنگینی مخارج ازدواج، افزایش توقعات و کارکرد نامناسب رسانه‌ها قرار دارند.

## ۵. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث صاحب‌نظران و نتایج پژوهش‌های محققان، عدم ازدواج به موقع و مناسب جوانان، بنیان نهاد خانواده را به سستی کشانده و انواع بحران‌ها و مفاسد اخلاقی و اجتماعی را موجب می‌گردد. این امر برخی جوانان را به خودکشی، فرار از خانه، خودفروشی کشانده و تزلزل در شخصیت و خانواده و اجتماع را موجب می‌گردد. بر این مبنای لازم است توجه و رسیدگی به امر ازدواج جوانان در صدر برنامه‌ریزی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه قرار گیرد.

از سوی دیگر، پیچیدگی بحث نیازهای جوانان و عوامل متعدد مؤثر بر ازدواج به عنوان بنیان شکل‌گیری نهاد خانواده در سطوح فردی، میانی و اجتماعی ایجاب می‌کند جهت شناخت مهم‌ترین ابعاد و زوایای پدیده ازدواج، پژوهش‌های متعددی در حوزه‌های اجتماعی، روان‌شناختی و دینی صورت گیرد تا با شناخت هر چه گسترده‌تر و عمیق‌تر آن، بتوان راهکارهای عملیاتی مناسب و مؤثری در این زمینه مورد شناسایی و اجرا گذارده شود. از دیدگاه پاسخنگویان وجود بحران‌های خانوادگی، مشاجرات و اختلافات والدین در زندگی، عوامل تحمیل ازدواج از طرف والدین و یا ارائه تصویر منفی از ازدواج و طرح ازدواج‌های ناموفق توسط آنان موجب هراس آنان از ازدواج گردیده است. بخشی از آنان نیز بر این نظر که والدین و خانواده‌ها تا حد زیادی مهارت‌های لازم و کافی در امر ازدواج جوانان را ندارند، تأکید نموده‌اند. درصد نسبتاً بالایی از پاسخنگویان معتقدند والدین از ضرورت ازدواج به موقع فرزندان خود آگاهی نداشته و علاوه بر این سخت‌گیری‌ها و عدم حمایت والدین از فرزندان تا حد زیادی موجب عدم گرایش جوانان به ازدواج می‌باشد. با توجه به موارد فوق و تأثیر بسزایی که خانواده می‌تواند در شکل‌گیری ازدواج مناسب فرزندان داشته باشد، کار و سرمایه‌گذاری روی خانواده‌ها (رسانه‌ها، برنامه‌های

مذهبی و تبلیغی، فعالیت‌های آموزش و پرورش و دانشگاه و سازمان‌های منطقه‌ای و محلی چون شورای شهر و سازمان رفاهی و تفریحی شهرداری‌ها) از اهمیت اساسی برخوردار است. در این ارتباط لازم است شورایی مرکب از مسئولان نهادهای فوق و سایر نهادهای ذی‌ربط تشکیل و برنامه‌ریزی‌های لازم در این رابطه صورت گیرد. جهت تحقق برنامه‌های مربوطه لازم است با تقسیم فعالیت میان نهادها، متولی پیگیری موارد مشخص گردد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بخش زیادی از پاسخگویان بر این نکته که رسانه‌های گروهی معیارهای مناسب ازدواج برای جوانان را ارائه ننموده و تبیین نکرده‌اند، تأکید داشته‌اند. به همین میزان، عدم آگاهی بخشی و ارائه برنامه‌های مناسب توجیهی ازدواج توسط رسانه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. به‌رغم این امر، درصد بالایی از پاسخگویان معتقدند ارائه تصویر منفی از ازدواج در فیلم‌های مربوطه موجب ایجاد نگرش منفی نسبت به ازدواج در بین جوانان می‌گردد.

علاوه بر این، بر اساس تجارب چند دهه اخیر، افزایش سطح تحصیلات به ویژه تحصیلات دختران با تأخیر سن ازدواج آنان همراه بوده است. بر این مبنای جوانان و خانواده‌های آنان تصور می‌کنند برای موفقیت در تحصیل لازم است که امر ازدواج را به تأخیر بیندازند. در کنار این تصور عمومی، عدم وجود ساختارهای مناسب چون خوابگاه متأهلان، اشتغال پاره‌وقت، وام‌های درازمدت و مانند آن‌ها، امکان ازدواج در دوران دانشجویی را برای بسیاری از دانشجویان با مشکل مواجه می‌سازد. در این ارتباط، با توجه به گسترش روزافزون دوره‌های تحصیلی تکمیلی در دانشگاه‌ها، لازم است نسبت به ایجاد زیرساخت‌های مناسب چون عوامل ذکر شده در بالا اقدام مطلوب صورت گیرد.

همچنان که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داده است، در شرایط فعلی، افزایش سطح تحصیلات با افزایش توقعات جوانان در مسائل مختلف همراه بوده و این امر در ابعاد مختلف انتخاب نوع زندگی، انتخاب همسر، توقعات مادی زندگی مؤثر بوده و موجبات تأخیر در سن ازدواج را فراهم می‌آورد. نتایج تحقیق حاکی از این امر است که اکثریت پاسخگویان این نکته که تحصیلات بالاتر موجب بالا رفتن توقعات و مشکل در انتخاب

همسر می‌گردد را مورد تأکید قرار داده‌اند. بر این مینا، لازم است در فرهنگ عمومی جامعه و نیز به ویژه در مراکز آموزش عالی، لازم است علاوه بر مهارت‌های تخصصی و علمی، جهت رشد شخصیتی جوانان و ارائه معیارهای اساسی زندگی مبتنی بر رشد و تعالی جوانان برنامه‌ریزی و اقدامات لازم صورت گیرد.

یافته‌های پژوهش حاضر، نقش بسیار مهم دینداری و باورهای دینی در امر ازدواج را نشان داده است. نتایج تحقیق حاکی از این امر است که اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان کم‌رنگ شدن ارزش‌های معنوی را به عنوان عاملی مؤثر در عدم گرایش به ازدواج دانسته‌اند. آگاهی بخشی به جامعه به ویژه جوانان در مورد الگوهای ازدواج صحیح از سیره معصومین (ع) توسط نهاد حوزه‌های علمیه و مراجع دینی و روحانیون از الزامات ترویج امر ازدواج می‌باشد. با توجه به نقش و اثرات مفاهیم و باورهای دینی و علاقه شدید مردم به ائمه اطهار (ع)، ارائه الگوهای خانواده سالم و ازدواج مناسب با معرفی زندگینامه آن بزرگواران نقش به‌سزایی در افزایش آگاهی مردم و ایجاد و تقویت نگرش‌های صحیح گردیده و گرایش به ازدواج صحیح را در بین جوانان تقویت می‌بخشد. در این زمینه، با توجه به حضور پررنگ روحانیون و ائمه جماعات در بین مردم و تعاملات گسترده و عمیق آنان با شهروندان، لازم است برنامه‌های تبلیغی و آگاهی بخشی مدون و خاص به ویژه در ماه‌هایی چون ماه مبارک رمضان پیش‌بینی و به اجرا گذارده شود.

اصلاح فرهنگ عمومی جامعه و به عبارت دیگر استخراج، تصفیه و بهره‌گیری از سنت‌ها و منابع فرهنگی جامعه از الزامات بسیار اساسی برای بهبود مسائل اجتماعی و فرهنگی و از جمله مسأله ازدواج است. در دهه‌های اخیر به سبب گسترش پدیده جهانی شدن و رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و روحیه تجمل‌گرایی، چشم و هم‌چشمی و مانند آن‌ها، هزینه‌های بسیار سنگینی بر ازدواج تحمیل می‌گردد. از یک سو، هزینه تهیه جهیزیه توسط خانواده دختر، فشار مالی بسیار سنگینی را بر خانواده تحمیل می‌کند. فشار اجتماعی و احساس حفظ آبروی خانواده پیش همسایگان و فامیل، خانواده را وادار به تهیه جهیزیه‌ای به ظاهر سنگین می‌سازد. این امر بسیاری از خانواده‌ها را به سوی بانک‌ها و اخذ وام‌های با

درصدهای بالا می‌نماید. از این‌رو، بسیاری از خانواده‌ها از نظر روانی مخالفت چندانی با تأخیر ازدواج فرزند خود ندارند، چرا که فکر می‌کنند در فاصله پیش آمده به تدریج بتوانند تجهیزیه مناسبی برای فرزند خود تدارک ببینند. از سوی دیگر، تحمیل هزینه‌های سنگین ازدواج از جمله هزینه باشگاه، خرید بازار و مانند آن نیازمند چندین میلیون تومان می‌باشد و جوانی که هنوز نتوانسته است شغلی برای خود دست و پا کند و فاقد درآمد است، قادر به تأمین هزینه‌های ازدواج نبوده و از ازدواج سرباز می‌زند.

با توجه به موارد فوق، بازگشت به فرهنگ و عناصر فرهنگ اسلامی و ایرانی مبتنی بر ساده زندگی کردن، قناعت، مصرف درست و مناسب از الزامات اساسی بهبود زندگی خانوادگی و عمومیت بخشی به ازدواج و حل معضل تأخیر در سن ازدواج می‌باشد. این امر مستلزم یک بسیج همگانی برای بازگشت به ارزش‌های دینی و بومی جامعه می‌باشد.

## منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۷)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، چاپ دوم، تهران، کویر.
- برهانی، فاطمه (۱۳۸۶)، *عوامل مؤثر بر سن ازدواج*، <http://library.tebyan.net>
- بستان، حسین (۱۳۸۳)، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بهنام، جمشید (۱۳۴۸)، *جمعیت‌شناسی عمومی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه.
- بی‌نام (۱۳۷۰)، *سمینار جوان و ازدواج - گزارش جلسه افتتاحیه سمینار، عصر جدید ۷، سال اول، شماره ۱، آذر ۷۰*.
- حبیب‌پور گتایی، کرم، غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، *علل افزایش سن ازدواج دختران، مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۹، شماره ۱، ۳۴-۷.
- خلیقی، حسین (۱۳۶۶)، *ازدواج و جوانان، رسالت، ۸ مرداد ۶۶، ص ۱۰*.
- خورشیدوند، ابوالقاسم (۱۳۷۱)، *ازدواج جوانان، مسئله‌ای که حل آن یاری مسئولان را می‌طلبد، اطلاعات، ۷ آذر ۷۱*.
- رجبی، عباس (۱۳۸۶)، *سن ازدواج؛ عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن، نشریه معرفت، شماره ۱۱۲، ۱۵۴-۱۴۳*.
- زارع، حسین، طالبی، سعید، صیف، محمدحسین (۱۳۸۹)، *آمار استنباطی پیشرفته*، تهران، انتشارات پیام نور.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، انتشارات سروش.

- سگالن، مارتین (۱۳۷۰)، **جامعه‌شناسی تاریخی خانواده**، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۴)، تحلیل روان‌شناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان، **مجله معرفت**، شماره ۹۷: ۴۶-۵۳.
- ضرابی، حمید؛ مصطفوی، سید فرخ (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی**، سال یازدهم، شماره چهارم، ۳۳-۶۴.
- غیبی، حمید (۱۳۸۸)، **تحقیق کاربردی؛ دلایل افزایش سن ازدواج جوانان**، منتشر شده در سایت جامع مدیریت.
- فولادی، فاطمه (۱۳۸۸)، نیم‌نگاهی به علل افزایش سن ازدواج، **زالال هدایت، سال دوم، شماره اول**.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸)، سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۲.
- کنعانی، محمدمامین (۱۳۸۵)، پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، سال یکم، شماره ۱.
- لوزیک، دانیلین (۱۳۸۳)، **نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی**، ترجمه سعید معیدفر، تهران، امیرکبیر.
- مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶)، بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آستیان، **پژوهشنامه علوم انسانی**، شماره ۵۳: ۳۸۶-۳۷۵.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳)، سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۴، ۲۷-۵۳.

- Ardebily M. (1988), the evaluating of attitudes unmarried boys 20-29 years old towards marriages and its factors (dissertation). **Ferdowsi University of Mashad**; [in Persian].
- Bartz, k. w, & f.l. Nye (1970), early marriage: a prepositional formulation, **journal of marriage and the family**, vol. 32 (2): 258-268.
- Becker, Gary S (1973), A Theory of Marriage, Part I; **the Journal of Political - Economy**, Vol. 81, No. 4, pp. 813-846.
- Becker, Gary S. (1974), A Theory of Marriage, Part II; **The Journal of Political Economy**, Vol. 82, No.2, part 2, pp. s11-s26.
- Bradbury TN (1995), Assesing the four fundamental domains of marriage. **Family Relations**; 4(44):459-468.
- Brateen TB, Rosen LA (1998), Development and validation of the marital attitude scale. **Journal of Divorce and Remarriage**; 29(2): 83-91.
- Brien, Michael J. and Lee A. Lillard (1994), Education, Marriage, and First Conception in Malaysia; **the Journal of Human Resources**, Vol. 29, No.4, pp. 1167-1204.
- Brüderl, Josef and Andreas Diekmann (1997), Education and Marriage: A Comparative Study; **Institute of Sociology**, Munich.
- Freeman H, Brown BB (2001), Primary attachment to parents and peers during adolescence, differences by attachment style. **Journal of Youth and Adolescence**; 30: 653-674.
- Gotman, J (1993), the rotes of conflict engagement, escalation and avoidance in marital interaction: a longitudinal view of hive type of couples. **Journal of Counseling and Clinical Psychology**; 68 (3):6-17.
- Ikamari, Lawrence (2005), the Effect of Education on the Timing of Marriage in Kenya; **Demographic Research**, Vol.12, Max Planck Institute for Demographic Research.
- Joshi, N (2003), Correlates of female age at marriage in two states: Uttaranchal and Utar Pradesh, <http://jhuzzp.org>
- Kabir, Ahmad; Gulshana Jahan and Rukhshana Jahan (2001), Female Age at Marriage as a Determinant of Fertility; **the Sciences**, Vol. 1, No.6, pp. 372-376.
- Lundberg, Shelly and Robert A. Pollak (1993), Separate Spheres Bargaining and the Marriage Market; **The Journal of Political Economy**, Vol. 21, pp. 99-113.
- Maitra, Pushkar (2004), Effect of Socioeconomic Characteristics on Age at Marriage and Total Fertility in Nepal; **Journal of Health, Population and Nutrition**, Vol. 22, No. 1, pp. 84-96.
- Malhotra, Anju and Amy O. Tsui (1996), "Marriage Timing in Sri Lanka: The Role of Modern Norms and Ideas." **Journal of Marriage and the Family** 58(2):476-90
- McCrate, Elaine (1987), Trade, Merger and Employment: Economic Theory on Marriage; **Review of Radical Political Economics**, Vol. 19, No. 1, pp. 73-89.

- Mikulincer M, Shaver PR (2007), Attachment **in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change**. New York: The Guilford Press; P. 47-49.
- Oppenheimer, V. K (1988), "A theory of marriage timing", **American Journal of Sociology**, 94, 563-591. In: Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006), Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia. California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, and October.
- Pollak, Robert A (2005), Bargaining Power in Marriage: Earnings, Wage Rates and Household Production; NBER (National Bureau of Economic Research), **Working Paper Series**, No. 11239.
- Quisumbing, A. R. and Hallman, K (2003), Marriage in Transition: Evidence on Age. **Education and Assets from Six Developing Countries**, New York: Population Council.
- Risch SC, Jodl KM, Eccles JS (2004), Role of the father-adolescent relationship in shaping adolescent's attitude toward divorce. **Journal of Marriage and Family**; 66(1): 46-58.
- Segrin C, Talor ME, Altman J (2005), Social cognitive mediators and relational outcomes associated with parental divorce. **Journal of Social and Personal Relationships**; 22(3): 361-377.
- Smith, Peter C., (1980), Asian marriage patterns in transition", **Journal of Family History**, 5(1): 58-96.
- Stone MK, Hutchinson RL (2009), Familial conflict and attitudes toward marriage. **Journal of Divorce & Remarriage**; 76(1): 54-68.
- Trent K, South SJ (1992), Sociodemographic status, parental background childhood family structure, and attitudes towards family formation. **Journal of Marriage and the Family**; 54: 427-439.
- Wise R, King S (2008). Family environment and friendship qualities. **Journal of Family**, Issues; 36(4):827-831.